

# مقایسه مدول الاستیک حاصل از نانوسختی سنجی با میکروسکوپ نیروی اتمی و آزمون کشش نانو کامپوزیت های نانوسلولز/پلیلاکتیک اسید

 $^4$ ربيع بهروز $^{1^*}$ ، سميه قاسمى $^2$ ، رضا شهبازيان يسار $^8$ ، اسماعيل قاسمى

1 - دانشیار، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
 2 - دانشجوی دکتری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران
 3 - دانشیار، دانشکده مکانیک، دانشگاه فنی میشیگان، آمریکا
 4 - استاد، پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران، تهران
 \* نور، صندوق پستی 46414-356، rabi.behrooz@modares.ac.ir

| چکیدہ   | اطلاعات مقاله  |
|---|--|
| در این تحقیق، مدول الاستیک نانوکامپوزیتهای نانوسلولز/پلی لاکتیک اسید بهدست آمده توسط دو روش آزمون کشش استاندارد (ASTM) و          | مقاله پژوهشی کامل<br>ان م 07 میل 1204                  |
| آزمون نانوسختی سنجی با استفاده از میکروسکوپ نیروی اتمی مورد بررسی قرار گرفت. نانوسلولز بهکار رفته، با استفاده از روش مکانیکی از   | دریافت: / 0 مرداد 1394<br>بذباش: 11 شبه بهر 1394       |
| الیاف لینتر پنبه تهیه گردید و به نسبت وزنی 3 و 5% به دو روش افزودن مستقیم و تکنیک مستربچ مورد استفاده قرار گرفت. سپس ویژگیهای     | پدیرسی مایت: 14 مهر 1394<br>ارائه در سایت: 14 مهر 1394 |
| — کششی نانوکامپوزیتهای ساخته شده با استفاده از مستربچ و بدون آن، مطالعه گردید. نتایج آزمون کشش نشان داد که استفاده از مستربچ، سبب | کلید واژگان:   |
| بهبود مدول کششی، استحکام کششی و کرنش در شکست خواهد شد. همچنین افزایش نانوسلولز از 3 به 5% در نانوکامپوزیتهای حاوی                 | مستربچ   |
| مستربچ، سبب افزایش استحکام کششی و کرنش در شکست گردید. اما افزایش نانوسلولز در نانوکامپوزیتهای بدون استفاده از مستربچ، تأثیر       | نانو کامپوزیت  |
| معنیداری روی بهبود این ویژگیها نداشته است. نتایج آزمون نانوسختی سنجی با میکروسکوپ نیروی اتمی نیز روند مشابه آزمون کشش را          | آزمون کشش<br>-   |
| نشان دادند که بر این اساس، استفاده از مستربچ در نانوکامپوزیتها سبب افزایش مدول الاستیک گردیده است. سپس نتایج مربوط به این دو      | ازمون نانوسختی سنجی                                    |
| آزمون مورد مقایسه قرار گرفت و نتایج نشان داد که مدول بهدست آمده از آزمون کشش استاندارد در مقایسه با لنانوسختی سنجی، مقادیر        | میکروسکوپ نیروی اتمی (AFM)                             |
| کمتری را دارا هستند.  |  |

# The comparison of nanocellulose/PLA nanocomposites elastic modulus obtained by nanoindentation and tensile test

# Rabi Behrooz<sup>1\*</sup>, Somayeh Ghasemi<sup>1</sup>, Reza Shahbazian Yassar<sup>2</sup>, Ismaeil Ghasemi<sup>3</sup>

1- Wood and Paper Science Department, Tabiat Modares University, Tehran, Iran

- 2- Department of Mechanical Engineering, Michigan Tech. University, Houghton, USA
- 3-Iranian Polymer and Petrochemical Institute, Tehran, Iran

\* P.O.B. 356-46414, Noor, Iran, Rabi.behrooz@modares.ac.ir

#### **ARTICLE INFORMATION**

### ABSTRACT

In this paper, the elastic modulus of nanocellulose/PLA nanocomposites obtained by the two methods including nanoindentation and tensile tests were analyzed. Nanocellulose was extracted by Mechanical method from linter pulp fiber. Amount of usage of nanocellulose was 3 and 5% wt, and masterbatch technique was used for improving nanoparticles distribution in polymer matrix. Then the mechanical properties of nanocomposites with and without this technique were studied. Tensile test was performed in accordance with the standard method, and the atomic force microscope in peak force tapping mode was used for nanoindentation. Tensile test results showed that the use of masterbatch improves tensile modulus, tensile strength and strain at break. Also, by increasing nanocellulose percentage from 3 to 5% in nanocomposite with master batch, the tensile strength and strain at break increased. But this increase had no significant effect on tensile properties of nanocomposite without masterbatch. A similar trend of strength test results was observed in nanoindentation results. Based on this result, use of masterbatch in nanocomposite caused the increase in elastic modulus. The results of these two analyses were compared and tensile test showed lower modulus value than nanoindentation.

Keywords: Masterbatch Nanocomposite Tensile test nanoindentation test Atomic Force Microscopy (AFM)

Original Research Paper Received 29 July 2015

Accepted 02 September 2015

Available Online 06 October 2015

Please cite this article using:

برای ارجاع به این مقاله از عبارت ذیل استفاده نمایید:

R. Behrooz, S. Ghasemi, R. Shahbazian Yassar, I. Ghasemi, The comparison of nanocellulose/PLA nanocomposites elastic modulus obtained by nanoindentation and tensile test, *Modares Mechanical Engineering*, Vol. 15, No. 11, pp. 81-87, 2015 (In Persian)

اتیلن ترفتالات ویژگیهای مکانیکی مطلوبی دارد. عموما یلیلاکتیک اسید از پلیمریزاسیون<sup>1</sup> حلقه باز منومر لاکتید بهدست میآید. لاکتید نیز از اسید لاكتيك حاصل از تخمير نشاسته ذرت و نيشكر بهدست ميآيد [1-3]. در حال حاضر پلیلاکتیک اسید در کاربردهایی نظیر بستهبندیهای یک بار مصرف تولید شده با تکنیکهای شکلدهی حرارتی، تزریق و اکستروژن مورد استفاده قرار می گیرد. اگرچه مصرف و حجم فروش پلی لاکتیک اسید در دهههای اخیر افزایش یافته است، اما سفتی و تردی این ماده و همچنین عدم ثبات فرایندی آن (کاهش ویسکوزیته مذاب) که محدود کننده قابلیت فراوری از طریق قالبدهی دمشی یا فوم کردن است، مانع اصلی در توسعه و تجاری شدن آنهاست [3-6]. علاوه بر اين، جذب رطوبت در طي فراورش، هيدروليز پلیلاکتیک اسید را تشدید کرده و روی ویژگیهای ذوب آن تأثیرگذار است. براین اساس، موضوع بسیاری از تحقیقات جدید، توسعه روشهایی برای ارتقاء ویژگیهای پلیلاکتیک اسید میباشد [7]. روشهای متعددی از جمله: همبسپارش با منومرهای ساختاری متفاوت، ترکیب کردن با دیگر پلیمرها، افزودن نرم کنندهها برای بهبود ویژگیهای این پلیمر گزارش شده است [8-10]. بعلاوه، روش دیگری که در سالهای اخیر بهطور گستردهای توسعه یافته است افزودن تقويت كننده يا پركننده در ابعاد نانو مانند نانوسلولز به اين پلیمر زیستی است [11-13].

نانو سلولز به دلیل ویژگیهای ذاتی جالب توجه از جمله سطح ویژه زیاد، مرفولوژی منحصر به فرد (نسبت طول به قطر زیاد)، دانسیته کم، مقاومت مکانیکی زیاد، فراوانی منابع، قابلیت تجدیدپذیری و زیست تخریبپذیر بودن مورد توجه زیادی قرار گرفته است [14]. یکی از معایب استفاده از نانو سلولزها، توزیع مناسب آن در ماتریس پلیمری است که استفاده از درصدهای بیشتر نانوسلولزها را محدود مینماید. استفاده از میزان بالایی از نانوسلولز سبب بهم چسبیدن و توزیع نامناسب نانو ذرات در ماتریس پلیمری می گردد و این خود سبب جدا شدن دو فاز تقویت کننده و پلیمری گشته و در نتیجه سبب کاهش مقاومت مکانیکی نانوکامپوزیتها می گردد [13،1].

در این ارتباط، طی سالهای اخیر تکنیک استفاده از مستربچ<sup>2</sup> توانسته است نتایج خوبی ارائه دهد. استفاده از این تکنیک میتواند به توزیع مناسب و کارای نانو ذرات در ماتریس پلیمری کمک کند [16،17]. بهطور مثال پراشانتا و همکاران [16] نانوکامپوزیت نانولولههای کربنی/ پلی پروپیلن را با استفاده از مستربچ نانولولههای کربنی/ پلیپروپیلن بهوسیله فرایند اکستروژن آمادهسازی نمودند. نتایج تحقیقات آنها نشان داد که آمادهسازی نانو کامپوزیتها با استفاده از این روش، یک روش مطلوب برای بهدست آمدن توزیع مناسب نانولولهها بوده است.

ویژگیهای مکانیکی فیلمهای پلیمری بهطور گستردهای با استفاده از آزمون کشش [18،19] و نانوسختی سنجی<sup>3</sup> با میکروسکوپ نیروی اتمی<sup>4</sup> [20:21] مورد بررسی قرار گرفتهاند. عمق زیاد و توانایی تحلیل نیرو در

همچنین با استفاده از میکروسکوپ نیروی اتمی، تهیه تصویر منطقه فرو رفته<sup>7</sup> بعد از حذف بار ممکن خواهد شد و این ویژگی، عدم اطمینان در محاسبه منطقه تماس را کاهش خواهد داد [21،23].

الیور و فار [24] در زمینه استفاده از سختی سنج پیشگام بودند. آنها از فرو رونده در اندازه ماکرو استفاده نمودند و مدول الاستیک مواد مختلف با سختی متفاوت از جمله آلومینیوم، یاقوت و کوارتز را محاسبه نمودند. آنها در محاسباتشان از مدل هرتز برای توصیف تماس بین دو محیط الاستیک استفاده نمودند. ونلندینگهام و مکنایت [25] میکرو فرورونده را با میکروسکوپ نیروی اتمی جایگزین نمودند و مدول الاستیک پلی اورتان را به اندازه گیری نمودند. لین و همکاران [26] روش استفاده از مدل هرتز را، که تماس بین دو محیط الاستیک بدون چسبندگی را توصیف میکند، بهبود دادند. پاکزاد و همکاران [21] به بررسی مدول الاستیک فیلمهای نانوکامپوزیت نانوسلولز/پلی وینیل الکل با استفاده از نانوسختی سنجی توسط میکروسکوپ نیروی اتمی پرداختند و سپس نتایج به دست آمده را با مدول به دست آمده از آزمون کشش مورد مقایسه قرار دادند.

هدف این تحقیق، مقایسه بین ویژگی نانومکانیکی و ویژگی در حد ماکرو کامپوزیتهای نانوسلولز/پلی لاکتیک اسید بوده است. به منظور تعیین ویژگی نانومکانیکی سطح نانوکامپوزیتها، از نانوسختی سنجی توسط میکروسکوپ نیروی اتمی استفاده گردید. آزمون کشش نیز طبق استاندارد روی نمونههای نانوکامپوزیت انجام گرفت. همچنین تاثیر استفاده از مستربچ روی ویژگیهای مکانیکی نانوکامپوزیتهای نانوسلولز/پلی لاکتیک اسید بررسی گردید.

# 2- آزمایش

# 1-2- مواد

پلیVکتیک اسید به عنوان بستر پلیمری به صورت گرانول از شرکت نیچر پلاست (فرانسه) تهیه شد. پلیمر تهیه شده دارای دانسیته 1/25 g/cm<sup>3</sup>، درجه حرارت شیشهای  $^{\circ}$ 65 و نقطه ذوب  $^{\circ}$ 157 بوده است. به منظور استخراج نانوفیبریل سلولز، از خمیر حل شونده لینتر (محصول شرکت لینتر پاک بهشهر)، با میزان سلولز 98 درصد استفاده گردید. نانوسلولز به روش مکانیکی، با استفاده از پالایشگر<sup>8</sup> و آسیاب تهیه شد. شکل 1 تصویر میکروسکوپی تهیه شده از نانوسلولز توسط میکروسکوپ نیروی اتمی را نشان میدهد.



**Fig.1** Atomic Force Microscopy image of nanocellulose extracted from Linter (size:  $5 \times 5 \mu m^2$ )

**شکل 1** تصویر میکروسکوپ نیروی اتمی از نانوسلولز استخراج شده از لینتر پنبه (5×5 μm<sup>2</sup>)

7- Indented 8- PFI mill

مهندسی مکانیک مدرس، بهمن 1394، دورہ 15، شمارہ 11

میکروسکوپ نیروی اتمی، که در هیچ ابزار دیگری قابل دسترس نیست، آن را ابزار قدرتمندی به منظور بررسی نانوسختی سنجی در کامپوزیتها ساخته است [20،21]. یکی از مهمترین مزایای استفاده از این نوع میکروسکوپ، به جای نانوسختی سنجهای معمول و متعارف این است که می توان با استفاده از یایههای<sup>5</sup> با ثابت فنری متفاوت، گستره وسیع تری از بار<sup>6</sup> را اعمال نمود [22].

- 1- Polymerization
- 2- Masterbatch
- 3- Nanoindentation
- 4- Atomic Force Microscopy (AFM)
- 5- Cantilever
- 6- Load

#### 2-2- ساخت مستربچ

در ساخت این نانوچندسازه از تکنیک مستربچ به منظور توزیع مناسب نانوسلولز در ماده زمینه پلیمری استفاده گردید. بدین منظور، پلی لاکتیک اسید و نانو سلولز هر یک به مقدار ذکر شده در جدول 1، در میکسر داخلی و در دمای  $165^{\circ}$ C و سرعت ماردون 80 rpm ترکیب شدند. ابتدا پلی لاکتیک اسید به مدت 10 دقیقه در دمای 165 درجه سانتی گراد حرارت داده شده و ذوب گردید و پس از 1 دقیقه، نانوسلولز در دو سطح 3 و 5 درصد وزنی اضافه شد و واكنش تا 3 دقيقه ادامه يافت. سپس مستربچ به دست آمده آسياب گردید و به منظور ساخت نانوکامیوزیتها مورد استفاده قرار گرفت.

#### 2-3- ساخت نانوكاميوزيتها

نمونههای نانو کامپوزیت نیز مطابق با روش استفاده شده توسط محمدحسن و همكاران [27] با استفاده از اكسترودر دوماردونه با سرعت پیچ اكسترودر و محدوده دمايی  $^{\circ}C$  در منطقه تغذيه تا  $^{\circ}C$  درجه 80rpm سانتی گراد در قالب، ساخته شدند. سپس قرصهای اکسترود شده به مدت 6 ساعت در دمای C<sup>o</sup>C در آون خلاء قرار گرفته و برای ساخت نمونههای آزمونی خشک شدند. جدول 1 فهرستی از نمونههای تهیه شده، به همراه نسبت وزنی نانوسلولز و استفاده از مستربچ و بدون آن را نشان میدهد. همان طور که مشاهده می شود در ساخت این نانو کامپوزیت ها از ترکیب مستربچ: پلی لاکتیک اسید (80:20) استفاده گردید.

#### 2-4- ساخت نمونههای آزمون

جهت ساخت نمونههای آزمون کشش، دمای محفظه ماشین قالب گیری تزریقی روی C<sup>o</sup>C تنظیم شده و فشار ثابت آن 400 بار و دمای قالب 70°C بوده است. نمونههای حاصل از قالبگیری تزریقی سپس برای ارزیابی ویژگیهای کششی مورد استفاده قرار گرفتند و پنج نمونه دمبلی شکل از هر تیمار با استفاده از دستگاه تزریق به ضخامت 2±0/2 میلیمتر ساخته شد. بهمنظور انجام آزمون نانوسختی سنجی، نمونهها به کمک پرس هیدرولیکی آزمایشگاهی با فشار 25 پاسکال و دمای 190°C و به مدت 3 دقيقه پرس شدند و فيلمهايي به ضخامت 300 ميكرومتر تهيه گرديد.

#### 2-5- آزمون کشش

ابتدا نمونهها به مدت 24 ساعت در رطوبت نسبی 55 درصد مشروطسازی شدند. سپس خواص کششی نانوکامپوزیتها مانند استحکام کششی، کرنش در شکست و مدول کششی نمونهها طبق استاندارد دی-638' نوع پنجم اندازه گیری شد. فاصله اولیه بین دوفک 30 میلیمتر بوده و نمونهها با سرعت کشش 3 میلیمتر /دقیقه در دمای محیط تحت کشش قرار گرفتند. نمونههای آزمونی دارای ابعاد mm 63/5×2/9×2 (طول، پهنا، ضخامت) بودند (شکل 2).

**جدول 1** نسبت وزنی نانوسلولز و پلی لاکتیک اسید در ساخت مستربچ و نانوکامپوزیت Table 1 Nancellulose and PLA weight ratio in producing masterbatch and nanocomposite

| ترکیب نہایی (پلی-          | یلیلاکتیک | مستربچ |                            |           |
|----------------------------|-----------|--------|----------------------------|-----------|
| لاكتيك اسيد:<br>نانوسلولز) | نانوسلولز | اسيد   | پلی <i>لاک</i> تیک<br>اسید | نانوسلولز |
| 97:3                       | 3         | 97     | -                          | -         |
| 95:5                       | 5         | 95     | -                          | -         |
| 97:3                       | -         | 80     | 17                         | 3         |
| 95:5                       | -         | 80     | 15                         | 5         |

## 2-6- آزمون نانوسختی سنجی

آزمون نانوسختى سنجى نانوكامپوزيتها توسط ميكروسكوپ نيروى اتمى (ساخت شرکت بروکر<sup>2</sup>، آمریکا)، که در شکل 3 نشان داده شده، توسط تیپ(الماس (PDNISP-HS) روى پايه استيل (شكل 4)، انجام گرفت. تصاوير میکروسکوپ از نقاط فرورفته با استفاده از مد ضربه نیروی ماکزیمم<sup>4</sup> انجام گرفت. در این تکنیک، پایه در فرکانسی کمتر از فرکانس رزونانس خود نوسان میکند و به ازای هر ضربه<sup>5</sup> یک فرورفتگی کوچک (2 نانومتر) روی سطح بوجود مي آيد.

نیروی ماکزیمم به عنوان سیگنال بازخورد برای هر منحنی بارگذاری-برداشت بار ثبت شد. شعاع تیپ نیز با استفاده از یک نمونه استاندارد سخت مانند تیتانیوم و نرمافزار آنالیز نانواسکوپ<sup>6</sup>اندازه گیری شد و اندازه آن تقریبا 25 نانومتر بوده است. مقدار نسبت پواسون برای نانوکامپوزیتها در حدود در نظر گرفته شد. سرعت اسکن در همه حال 1 هرتز بوده و نیروی 0/3ماکزیمم به گونهای تنظیم گردید که متوسط تغییر شکل نهایی در هر خط اسکن بیش از 3 نانومتر نباشد. دیگر پارامترهای اسکن به صورت اتوماتیک توسط نرمافزار مربوطه تنظیم شدند. ثابت فنر پایه مورد استفاده در این تحقیق توسط شرکت سازنده اندازه گیری شده بود و مقدار آن در حدود 311 نیوتن/متر بود. استفاده از مقدار ثابت فنری پایه بالا، از تغییر شکل جانبی جلوگیری می کند و سبب می شود تمامی داده های نیرو در جهت عمودی ثبت شوند. میزان حساسیت به تغییر شکل که برای تبدیل واحدهای دلتا به نانومتر مورد نیاز است، بهوسیله سختی سنجی روی بستر یاقوت (163/96 نانومتر/ولت) اندازه گیری شد. این اندازه گیری حداقل در پنج نقطه تکرار شد تا از ثبات مقدار به دست آمده اطمینان حاصل شود. سپس نیرو (میکرو/نانو نیوتن) با حاصل ضرب حساسیت پایه در ثابت فنر آن محاسبه شد. ارتفاع سختی سنجی بهوسیله کم کردن تغییر شکل پایه از مکان پیزو عمودی به دست میآید. تعیین نقطه تماس صفر نیز یک مسئله مهم است و در این تحقیق، تماس اولیه به عنوان نقطهای در نظر گرفته شده که برهمکنشها

مورد توجه بوده و هیچ نشانهای از چسبندگی مشاهده نشده است [21،29].

برای هر نمونه در کل 80 نقطه فرورفته با فواصل عمودی و افقی 1 میکرومتر به منظور جلوگیری از تاثیر تغییر شکل پلاستیک نقاط فرورفته مجاور در نظر گرفته شد و متوسط مدول گزارش شد. ضخامت نمونه، بیش از ده برابر بیشتر از عمق سختی سنجی بوده تا از نتایج اطمینان حاصل شود. فرکانس نانوسختی سنجی (نرخ بارگذاری) و ماکزیمم بار اعمال شده به 2- Bruker 3- Tip 4- Peak Force Tapping Mode

این آزمون رایجترین نوع آزمون مواد برای تعیین مشخصات اولیه مکانیکی میباشد و به طور گستردهای برای مواد کامپوزیتی مورد مطالعه قرار گرفته است [28]. با استفاده از این آزمون میتوان مدول، استحکام کششی و کرنش نهایی شکست را گزارش نمود که: استحکام کششی نهایی حداکثر تنشی است که نمونه تحت آزمون تحمل می کند تا بشکند، کرنش در شکست نیز حداکثر کرنش در نقطه شکست است و مدول کششی از شیب ناحیه خطی منحنی تنش-کرنش به دست میآید.

1- ASTM D-638-type V

مهندسی مکانیک مدرس، بهمن 1394، دورہ 15، شمارہ 11

5- Tap

83

7- Sapphire

6- Nanoscope software

$$h = \frac{\mathbf{a}^{2}}{R}$$
(2)  

$$h = \frac{\mathbf{a}^{2}}{R}$$
(2)  

$$F \cdot R$$
(3)  

$$F = E_{red} \sqrt[3]{h} \sqrt{R}$$
(3)  

$$F = E_{red} \sqrt[3]{h} \sqrt{R}$$
(3)  

$$F = E_{red} \sqrt[3]{h} \sqrt{R}$$
(3)  

$$F = K_{red} \sqrt{K} + K_{red} + K_{red$$

$$E_{\rm red} = \left(\frac{1-\gamma_{\rm s}^2}{E} + \frac{1-\gamma_{\rm tip}^2}{E_{\rm tip}}\right)^{-1} \tag{4}$$

با در نظر گرفتن مقدار نامتناهی برای مدول الاستیک تیپ (E<sub>tip</sub>)، مدول الاستیک کاهشی  $(E_{
m red})$  با تقریب، برابر با مدول یانگ نمونه خواهد بود. اگرچه در اکثر مواقع، مدل هرتز برای بخش بارگذاری دادههای سختی سنجی بكار مىرود تا ويژگىهاى الاستيك نمونه استخراج شود [34،35]. در اين تحقیق، مدل هرتز برای هر دو منحنی بارگذاری و برداشت بار در نظر گرفته شد و مدول الاستیک نهایی آن با مدول الاستیک به دست آمده از آزمون کشش مورد مقایسه قرار گرفت. این نکته قابل ذکر است که کاربرد مدل هرتز تنها زمانی معتبر است که هیچ چسبندگی بین تیپ و نمونه وجود نداشته باشد. بنابراین بیشترین مقدار ثابت فنر برای پایه انتخاب شد تا بتواند بر نيروى چسبندگى بين تيپ و سطح نمونه به آسانى غلبه كند. فرض مهم دیگر در مدل هرتز این است که شعاع تماس باید در مقایسه با شعاع تیپ کوچک باشد. تحقیقات نشان داده است که در آزمایشات نانوسختی سنجی با میکروسکوپ نیروی اتمی، با در نظر گرفتن عمق بالای 200 نانومتر، این فرض می تواند نادیده انگاشته شود [34]. همچنین در شکل 5 نمونهای از منحنی بارگذاری- برداشت بار پلیمر پلیلاکتیک اسید در آزمون نانوسختی سنجی نشان داده شده است.

### 3- نتايج و بحث

تاثیر مستربچ روی ویژگیهای کششی نانوکامپوزیتهای نانوسلولز/پلی لاکتیک اسید بررسی گردید. شکل 6 نمودار تنش – کرنش نانوکامپوزیتها را نشان میدهد.

شکل 7 نتایج مربوط به مدول کششی نانوکامپوزیتهای با مستربچ و بدون آن را نشان میدهد. همان طور که مشاهده می شود، نانوکامپوزیتهای تهیه شده در دو سطح نانوسلولز 3 و 5% با استفاده از مستربچ، دارای مدول بالاتری نسبت به نمونههای بدون مستربچ بودند. به گونهای که در سطح 3% استفاده از نانوسلولز، مدول کششی از 0.5 گیگاپاسکال در نمونههای بدون مستربچ به 1.25 گیگاپاسکال در نمونه حاوی مستربچ رسید. علت این افزایش میتواند مربوط به تاثیر مثبت به کارگیری تکنیک مستربچ در توزیع بهتر نانوذرات در بستر پلیمری و در نتیجه بهبود مدول کششی نانوکامپوزیتها باشد. همچنین در نمونههای بدون استفاده از مستربچ، با افزایش نانوسلولز از





**Fig.2** Dimension and shape of tensile test samples **شکل 2** ابعاد (mm) و شکل نمونههای مورد استفاده در آزمون کشش



Fig. 3 Atomic Force Microscope (AFM) شکل 3 تصویر میکروسکوپ نیروی اتمی

ترتيب 1 هرتز و 30 ميكرو نيوتن بوده است.

# 2-6-1-محاسبه ویژگیهای نانومکانیکی

مدلهای مکانیکی متفاوتی به منظور محاسبه مدول الاستیک از دادههای نانوسختی سنجی میکروسکوپ نیروی اتمی پیشنهاد شده است. این مدلها شامل: هرتز [30]، جانسون-کندال-روبرت [31]، درجاگویین-مولر-توپورو [32] و دیمیتریداس [33] هستند.

در مدل هرتز، تغییر شکل کاملا پلاستیک در منطقه سختی سنجی، شعاع تماسی کوچکتر در مقایسه با شعاع تیپ، اثر چسبندگی کم یا بدون چسبندگی بین تیپ و نمونه (در مقایسه با نیروی به کار رفته)، تعیین کننده هستند. بر پایه مدل هرتز، شعاع تماس(a) و تغییر شکل نمونه یا عمق سختی سنجی (h) هستند:

$$a = \sqrt[3]{\frac{RF}{E_{\rm red}}} \tag{1}$$



3 به 5 درصد، مدول به میزان اندکی افزایش یافت. در نانوکامپوزیتهای دارای مستربچ، افزایش نانوسلولز از 3 به 5%، در افزایش مدول معنیدار نبوده است. است. افزایش در شکل 8 نیز استحکام کششی نانوکامیوزیتها ارائه شده است. افزایش در شکل 8 نیز استحکام کششی نانوکامیوزیتها ارائه شده است.

کر سکل ۵ نیز استخکام کششی ناو کامپوزیتها آرانه سده است. افزایش نانوسلولز از 3 به 5%، در شرایط بدون استفاده از مستربچ، روی مقاومت به کشش تأثیر چندانی نداشته است. اما در شرایط استفاده از فرایند مستربچ، افزایش نانوسلولز از 3 به 5%، سبب افزایش مقاومت به کشش نانو کامپوزیتها می شود. بیشترین میزان مقاومت به کشش مربوط به استفاده از فرایند مستربچ و 5% نانوسلولز بود. تاثیر استفاده از مستربچ، روی استحکام کششی 010

Fig. 4 Nano-indentation probe شکل 4 تصویر پروب نانوسختی سنجی

مہندسی مکانیک مدرس، بہمن 1394، دورہ 15، شمارہ 11



**Fig. 5** Schematic curve of loading-unloading PLA neat by using nanondentation



**Fig. 6** Stress-Strain curve of nanocomposites (a: nanocellulose 3%, b: nanocellulose 5%, c: masterbatch (3%nanocellulose), d: masterbatch (5%nanocellulose)





همچنین کرنش در شکست نانوکامپوزیتها در شکل 9 نشان داده شده است. بیشترین کرنش در شکست، مربوط به 5% نانوسلولز و استفاده از فرایند مستربچ است. در کل در نمونههای بدون مستربچ و دارای دو سطح 3 و 5% نانوسلولز، اختلاف معنیداری در ویژگیهای کرنش در شکست آنها مشاهده نشد. نکته قابل توجه این است که با استفاده از مستربچ، کرنش در شکست نمونههای نانوکامپوزیت افزایش یافت. همچنین افزایش میزان نانوسلولز از 3 به 5%، در شرایط استفاده از فرایند مستربچ، سبب افزایش کرنش در شکست به میزان 80.7 درصد شده است.

برطبق نظر دوفرن و همکاران [36] کارایی مکانیکی کامپوزیتها، به خصوص نانوکامپوزیتها به شش فاکتور بستگی دارد: 1) چسبندگی و سازگاری بین ماده زمینه پلیمری و مواد افزودنی 2) انتقال تنش کارای مواد افزودنی 3) مقدار مواد افزودنی 4) ضریب لاغری مواد افزودنی 5) آرایش مواد افزودنی 6) بلورینگی ماده زمینه. بنابراین توزیع همگن نانوذرات در بستر پلیمری روی ویژگیهای نانوکامپوزیتها تأثیر خواهد داشت [37].

همان گونه که مشاهده گردید، نانوسلولز به تنهایی برهمکنش و توزیع ضعیفی را در ماده زمینه پلی لاکتیک اسید بواسطه تمایل زیاد به تجمع نشان میدهد و این مسئله سبب تمرکز تنش موضعی و کاهش ویژگیهای مکانیکی نانوکامپوزیتها خواهد شد [38]. بنابر نتایج ارائه شده، تکنیک مستربچ می-تواند روش موثری در جهت توزیع مناسب نانوسلولزها و بهبود ویژگیهای مکانیکی کامپوزیتها باشد.



**Fig. 8** Comparison tensile strength of nanocomposites with and without masterbatch (NFC: nanocellulose, Mb: masterbatch) :NFC: مشكل 8 مقايسه اسنحكام كششى نانوكامپوزيتهاى داراى مستربچ و بدون آن(Mb: مستربچ)



**Fig. 9** The effect of masterbatch and nanocellulose on strain at break of nanocomposites (NFC: nanocellulose, Mb: masterbatch

Fig. 7 Comparison elastic modulus of nanocomposites with and without masterbatch (NFC: nanocellulose, Mb: masterbatch) :NFC: شکل 7 مقایسه مدول کششی نانوکامپوزیتهای دارای مستربچ و بدون آن (ME: مستربچ)

مهندسی مکانیک مدرس، بهمن 1394، دوره 15، شماره 11

85

جدول 2 مدول الاستیک به دست آمده از نانوسختی سنجی براساس مدل هرتز Table 2 Elastic modulus obtained by nanoindentation based on Hertz model

| مدول الاستيكر (GPa) |                   | 411                           |  |
|---------------------|-------------------|-------------------------------|--|
| برداشت بار          | بار گذاری         | تموت                          |  |
| 2±0/21              | 1± <b>0/3</b>     | 3% نانوسلولز                  |  |
| 3±0/31              | 1/3± <b>0</b> /24 | 5% نانوسلولز                  |  |
| 4± <b>0/22</b>      | 2±0/2             | مستربچ <b>(</b> 3% نانوسلولز) |  |
| 4/5±0/3             | 2/12±0/4          | مستربچ (5% نانوسلولز)         |  |



Fig. 10 Image of nanoindentation imprints شكل 10 تصوير تورفتگى ايجاد شده توسط نانوسختى سنج



**Fig.11** Comparison of elastic modulus obtained by tensile and nanoindentation tests

شکل 11 مقایسه مدول الاستیک به دست آمده از آزمون کشش و نانوسختی سنجی

بدون مستربچ بیشتر بوده است. همچنین با افزایش نانوسلولز در نمونههای حاوی مستربچ، ویژگیهای کششی آن بهبود یافت. که این نشان دهنده تاثیر مثبت مستربچ روی بهبود توزیع نانوسلولز در ماده پلیمری است. مدول به دست آمده از نانوسختی سنجی نیز دارای روند مشابه با مدول حاصل از آزمون کششی بوده است، اما مقدار آن به دلیل نرخ بارگذاری متفاوت و حجم ماده در دسترس کمتر، از مدول کششی بیشتر بوده است. همچنین مدول به دست آمده از فیت نمودن مدل هرتز در منحنیهای مربوط به بارگذاری، مقادیر نزدیکتری به مدول کششی در آزمون کشش ارائه میدهد.

شكل 10 تصوير تورفتگي ايجاد شده توسط نانوسختي سنج را نشان ميدهد. مقادير مدول الاستيك نانوسختي سنجي به دست آمده مربوط به ميانگين 80 نقطه سختى سنجى شده مىباشد. در جدول 2 مدول الاستيك نانوكامپوزيت-ها در دو وضعیت بارگذاری و برداشت بار، با استفاده از مدل هرتز محاسبه شد. همان گونه که مشاهده می شود، به کار گیری مستربچ، سبب بهبود مدول الاستیک نانوکامپوزیتها می گردد. اما با افزایش درصد نانوسلولز از 3 به 5%، در نانوكامپوزیتهای با مستربچ و بدون آن، بهبود مدول الاستیک ناچیز بوده است و بنابراین براساس این نتایج، استفاده از مستربچ در مقایسه با نانوسلولز، روی بهبود مدول الاستیک، کاراتر بوده است. علت را می توان مربوط به توزیع مناسب نانوسلولز در روش مستربچ مربوط دانست. دلیل اختلاف مدول به دست آمده در بخش بارگذاری و برداشت بار، میتواند مربوط به بکارگیری مدل هرتز باشد. در این مدل، تغییر شکل کاملا الاستیک بوده و بین تیپ و نمونه چسبندگی در نظر گرفته نمی شود. در منحنی بارگذاری، بخشی از تغییر شکل پلاستیک بوده و شامل نیروهای چسبندگی نیز میباشند. دلیل دیگر مربوط به خزش ویسکوالاستیک در نمونهها است. اگرچه در این تحقیق به علت استفاده از نرخ بارگذاری بیشتر، توانایی پلیمر در بروز رفتار تغییر شکل پلاستیک و ویسکوالاستیک کاهش یافته، در نتیجه خزش قابل چشمپوشی بوده است. خزش ویژگی مشترک پلیمرها محسوب می گردد و ممکن است سبب افزایش شیب ابتدایی منحنی برداشت بار و در نتیجه مدول الاستیک محاسبه شده شود [39،40]. از آنجایی که بخش ابتدایی منحنی برداشت بار، خطى است، بنابراين، فيت نمودن منحنى نيرو-ارتفاع (عمق تماس) خطى با مدل غيرخطى تماسى هرتز، مىتواند دليل تفاوت مدول الاستیک استخراج شده از فیت نمودن منحنی برداشت بار، در مقایسه با مدول حاصل از آزمون كشش باشد. بنابراین بر طبق استاندارد 07-2546 ASTM E (استاندارد برای آزمون سختی سنجی)، بهتر است بیش از 80% منحنی برداشت بار برای فیت نمودن مورد استفاده قرار گیرد [41].

در شکل 11 نیز، مدول الاستیک به دست آمده از آزمون کشش و آزمون نانوسختی سنجی مقایسه شدهاند. مدول الاستیک به دست آمده از فیت نمودن مدل هرتز در منحنیهای نانوسختی سنجی مربوط به بارگذاری و برداشت بار در مقایسه با دادههای به دست آمده از آزمون کشش بیشتر بوده است. چنین رفتاری برای دیگر سیستمهای پلیمری نیز گزارش شده است (21:39:42]. دلیل این تفاوت در مدول، را میتوان در استفاده از سطح کوچکتری از نمونه در مقایسه با آزمون کشش مربوط دانست. با در نظر گرفتن سطح بزرگتری از نمونه در آزمون کشش مربوط دانست. با در نظر توزیع ناکارای نانوسلولز و معایبی مانند ترکهای میکروسکوپی در ماده زمینه پلیمری وجود خواهد داشت و بنابراین از مقدار مدول الاستیک خواهد کاست. موده و این احتمال وجود دارد که در بسیاری از مواد، مدول الاستیک خواهد کاست. تاثیر نرخ کشش قرار گیرد. همچنین نتایج نانوسختی سنجی به دست آمده از فیت نمودن مدل هرتز در منحنیهای مربوط به بارگذاری مقادیر نزدیکتر به فیت نمودن مدل هرتز در منحنیهای مربوط به بارگذاری مقادیر نزدیکتر به مدول کششی حاصل از آزمون کشش نشان میدهد.

5- مراجع

- [1] R. E. Drumright, P. R. Gruber, D. E. Henton, Polylactic acid technology, *Advanced materials*, Vol. 12, No. 23, pp. 1841-1846, 2000.
- [2] J. Lunt, Large-scale production, properties and commercial applications of polylactic acid polymers, *Polymer degradation and stability*, Vol. 59, No. 1, pp. 145-152, 1998.
- [3] D. Muenprsat, S. Suttireungwong, C. Tongpin, Functionalization of Poly

4- نتيجەگىرى

در تحقیق حاضر، مدول الاستیک به دست آمده از آزمون کشش و نانوسختی سنجی نانوکامپوزیتهای نانوسلولز/پلی لاکتیک اسید با مستربچ و بدون آن، مورد مقایسه قرار گرفتند. مشاهدات نشان داده است که مدول و استحکام و کرنش حد شکست نانوکامپوزیتهای دارای مستربچ، نسبت به نمونههای

86

- ربيع بہروز و همکاران
- [22] B. Cappella, G. Dietler, Force-distance curves by atomic force microscopy, *Surface science reports*, Vol. 34, No. 1, pp. 1-104, 1999.
- [23] I. Karapanagiotis, D. Evans, W. Gerberich, Dynamics of the leveling process of nanoindentation induced defects on thin polystyrene films, *Polymer*, Vol. 43, No. 4, pp. 1343-1348, 2002.
- [24] W. C. Oliver, G. M. Pharr, An improved technique for determining hardness and elastic modulus using load and displacement sensing indentation experiments, *Journal of materials research*, Vol. 7, No. 06, pp. 1564-1583, 1992.
- [25] M. VanLandingham, S. McKnight, G. Palmese, J. Elings, X. Huang, T. Bogetti, R. Eduljee, J. Gillespie Jr, Nanoscale indentation of polymer systems using the atomic force microscope, *The Journal of adhesion*, Vol. 64, No. 1-4, pp. 31-59, 1997.
- [26] D. C. Lin, D. I. Shreiber, E. K. Dimitriadis, F. Horkay, Spherical indentation of soft matter beyond the Hertzian regime: numerical and experimental validation of hyperelastic models, *Biomechanics and modeling in mechanobiology*, Vol. 8, No. 5, pp. 345-358, 2009.
- [27] M. L. Hassan, A. P. Mathew, E. A. Hassan, S. M. Fadel, K. Oksman, Improving cellulose/polypropylene nanocomposites properties with chemical modified bagasse nanofibers and maleated polypropylene, *Journal of Reinforced Plastics and Composites*, pp. 0731684413509292, 2013.
- [28]G. H. Rahimi, R. Zamani, M. H. Pol, Studies on the tensile and flexural properties of TETA-cured epoxy resins modified with clay, *Modares Mechanical Engineering*, Vol.14, No.6, pp.29-34, 2014. (in persian فارسى)
- [29] J. Song, D. Tranchida, G. J. Vancso, Contact mechanics of UV/ozone-treated PDMS by AFM and JKR testing :mechanical performance from nano-to micrometer length scales, *Macromolecules*, Vol. 41, No. 18, pp. 6757-6762, 2008.
- [30] H. Hertz, Hertzian Model Reine, Angew. Math, Vol. 92, pp. 156-171, 1881.
- [31] K. Johnson, K. Kendall, A. Roberts, Surface energy and the contact of elastic solids, in *Proceeding of*, The Royal Society, pp. 301-313, 1971.
- [32] B. Derjaguin, Y. I. Rabinovich, N. Churaev, Direct measurement of molecular forces, pp. 313-318, 1978.
- [33] E. K. Dimitriadis, F. Horkay, J. Maresca, B. Kachar, R. S. Chadwick, Determination of elastic moduli of thin layers of soft material using the atomic force microscope, *Biophysical journal*, Vol. 82, No. 5, pp. 2798-2810, 2002.
- [34] S. Chizhik, Z. Huang, V. Gorbunov, N. Myshkin, V. Tsukruk, Micromechanical properties of elastic polymeric materials as probed by scanning force microscopy, *Langmuir*, Vol. 14, No. 10, pp. 2606-2609, 1998.
- [35] A.-Y. Jee, M. Lee, Comparative analysis on the nanoindentation of polymers using atomic force microscopy, *Polymer Testing*, Vol. 29, No. 1 ,pp. 95-99, 2010.
- [36] A. Dufresne, M. Paillet, J. Putaux, R. Canet, F. Carmona, P. Delhaes, S. Cui, Processing and characterization of carbon nanotube/poly (styrene-co-butyl acrylate) nanocomposites, *Journal of materials science*, Vol. 37, No. 18, pp. 3915-3925, 2002.
- [37]M. H. Pol, G. H. Liaghat, E. M. Yeghaneh, A. Afrouzian, Experimental investigation of nanoclay and nanosilica particles effects on mechanical properties of glass epoxy composites, *Modares Mechanical Engineering*, Vol. 14, No. 16, pp. 76-82, 2014. (in persian نفارسی)
- [38] Y. Cheng, S. Deng, P. Chen, R. Ruan, Polylactic acid (PLA) synthesis and modifications: a review, *Frontiers of chemistry in China*, Vol. 4, No. 3, pp. 259-264, 2009.
- [39] T. Zimmermann, E. Pohler, P. Schwaller, Mechanical and morphological properties of cellulose fibril reinforced nanocomposites, *Advanced engineering materials*, Vol. 7, No. 12, pp. 1156-1162, 2005.
- [40] M. R. VanLandingham, J. S. Villarrubia, W. F. Guthrie, G. F. Meyers, Nanoindentation of polymers: an overview, in *Proceeding of*, Wiley-Blackwell, 111 River Street Hoboken NJ 07030-5774 USA, pp. 15-44, 2001.
- [41] A. Fischer-Cripps, A simple phenomenological approach to nanoindentation creep, *Materials Science and Engineering: A*, Vol. 385, No. 1, pp. 74-82, 2004.

(lactic acid) with maleic anhydride for biomedical application, *Journal of Metals, Materials and Minerals*, Vol. 20, No. 3 ,pp. 189-192, 2010.

- [4] S. W. Hwang, S. B. Lee, C. K. Lee, J. Y. Lee, J. K. Shim, S. E. Selke, H. Soto-Valdez, L. Matuana, M. Rubino, R. Auras, Grafting of maleic anhydride on poly (L-lactic acid). Effects on physical and mechanical properties, *Polymer Testing*, Vol. 31, No. 2, pp. 333-344, 2012
- [5] R. Mani, M. Bhattacharya, J. Tang, Functionalization of polyesters with maleic anhydride by reactive extrusion, *Journal of Polymer Science Part A: Polymer Chemistry*, Vol. 37, No. 11, pp. 1693-1702, 1999.
- [6] E. Piorkowska, Z. Kulinski, A. Galeski, R. Masirek, Plasticization of semicrystalline poly (L-lactide) with poly (propylene glycol), *Polymer*, Vol. 47, No. 20, pp. 7178-7188, 2006.
- [7] L. Jiang, E. Morelius, J. Zhang, M. Wolcott, J. Holbery, Study of the poly (3hydroxybutyrate-co-3-hydroxyvalerate)/cellulose nanowhisker composites prepared by solution casting and melt processing, *Journal of Composite Materials*, 2008.
- [8] P. Bordes, E. Pollet, L. Avérous, Nano-biocomposites: biodegradable polyester/nanoclay systems, *Progress in Polymer Science*, Vol. 34, No. 2, pp. 125-155, 2009.
- [9] A. Sorrentino, G. Gorrasi, V. Vittoria, Potential perspectives of bionanocomposites for food packaging applications, *Trends in Food Science & Technology*, Vol. 18, No. 2 ,pp. 84-95, 2007.
- [10] A.-L. Goffin, J.-M. Raquez, E. Duquesne, G. Siqueira, Y. Habibi, A. Dufresne, P. Dubois, Poly (ε-caprolactone) based nanocomposites reinforced by surface-grafted cellulose nanowhiskers via extrusion processing: Morphology, rheology ,and thermo-mechanical properties, *Polymer*, Vol. 52, No. 7, pp. 1532-1538, 2011.
- [11] D. Bondeson, K. Oksman, Polylactic acid/cellulose whisker nanocomposites modified by polyvinyl alcohol, *Composites Part A: Applied Science and Manufacturing*, Vol. 38, No. 12, pp. 2486-2492, 2007.
- [12] L. Petersson, I. Kvien, K. Oksman, Structure and thermal properties of poly (lactic acid)/cellulose whiskers nanocomposite materials, *Composites Science and Technology*, Vol. 67, No. 11, pp. 2535-2544, 2007.
- [13] K. Oksman, A. Mathew, D. Bondeson, I. Kvien, Manufacturing process of cellulose whiskers/polylactic acid nanocomposites, *Composites science and technology*, Vol. 66, No. 15, pp. 2776-2784, 2006.
- [14] Y. Habibi, L. A. Lucia, O. J. Rojas, Cellulose nanocrystals: chemistry, selfassembly, and applications, *Chemical reviews*, Vol. 110, No. 6, pp. 3479-3500, 2010.
- [15] A. Dufresne, Processing of polymer nanocomposites reinforced with polysaccharide nanocrystals, *Molecules*, Vol. 15, No. 6, pp. 4111-4128, 2010.
- [16] K. Prashantha, J. Soulestin, M. Lacrampe, P. Krawczak, G. Dupin, M. Claes, Masterbatch-based multi-walled carbon nanotube filled polypropylene nanocomposites: Assessment of rheological and mechanical properties, *Composites science and technology*, Vol. 69, No. 11, pp. 1756-1763, 2009.
- [17] T. Villmow, P. Pötschke, S. Pegel, L. Häussler, B. Kretzschmar, Influence of twin-screw extrusion conditions on the dispersion of multi-walled carbon nanotubes in a poly (lactic acid) matrix, *Polymer*, Vol. 49, No. 16, pp. 3500-3509, 2008.
- [18] M. A. S. Azizi Samir, F. Alloin, A. Dufresne, Review of recent research into cellulosic whiskers, their properties and their application in nanocomposite field, *Biomacromolecules*, Vol. 6, No. 2, pp. 612-626, 2005.
- [19] Q. Wang, W. Li, X. Song, A method for testing dynamic tensile strength and elastic modulus of rock materials using SHPB, *pure and applied geophysics*, Vol. 163, No. 5-6, pp. 1091-1100, 2006.
- [20] D. Tranchida, S. Piccarolo, M. Soliman, Nanoscale mechanical characterization of polymers by AFM nanoindentations: critical approach to the elastic characterization, *Macromolecules*, Vol. 39, No. 13, pp. 4547-4556, 2006.
- [21] A. Pakzad, J. Simonsen, R. S. Yassar, Elastic properties of thin poly (vinyl alcohol)–cellulose nanocrystal membranes, *Nanotechnology*, Vol. 23, No. 8, pp. 085706, 2012.

87

مهندسی مکانیک مدرس، بهمن 1394، دوره 15، شماره 11